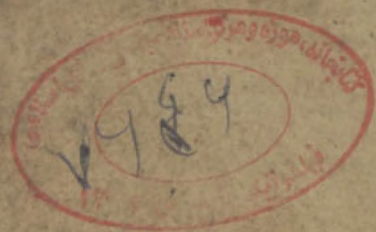


کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

۹۴۳

۱۹۴۱۹

سید محسن کبیری

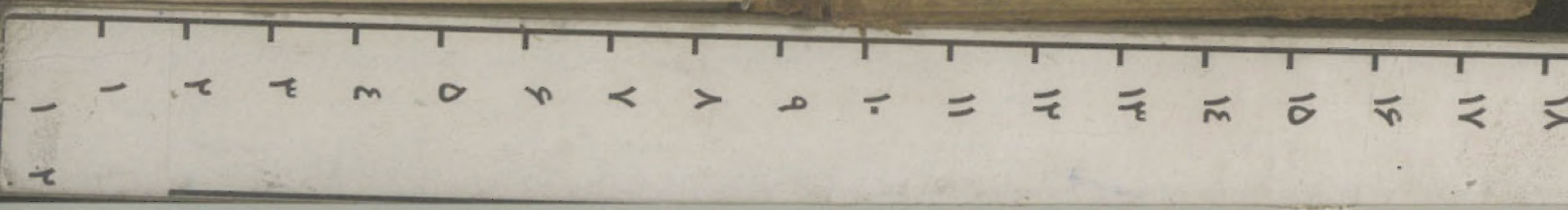
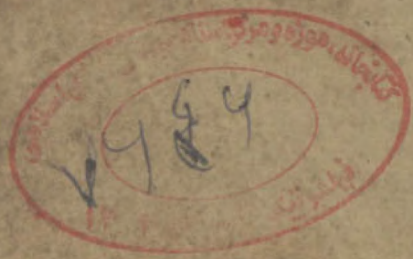


۱	۱
۲	۱
۳	۲
۴	۳
۵	۴
۶	۵
۷	۶
۸	۷
۹	۸
۱۰	۹
۱۱	۱۰
۱۲	۱۱
۱۳	۱۲
۱۴	۱۳
۱۵	۱۴
۱۶	۱۵
۱۷	۱۶
۱۸	۱۷
۱۹	۱۸
۲۰	۱۹
۲۱	۲۰
۲۲	۲۱
۲۳	۲۲
۲۴	۲۳
۲۵	۲۴
۲۶	۲۵
۲۷	۲۶
۲۸	۲۷
۲۹	۲۸
۳۰	۲۹
۳۱	۳۰

۹۴۴

۱۹۴۱۹

سید محسن مکی





۱۳۲۷

۱۹۸۴

کتابخانه مکتبی

۱۶۳۱۶

۳/۱۵



کتابخانه مکتبی
۱۳۳۳



القطر ابرو مزاج

در این کتب کتب مشاهیر

زلف در چشمه	بهر بزم کز
روایت از کعبه	مرد که زاده نام
کریم ز کردگار	از ملک زریح کن
حاکم است ازین	ازین سحر زور
در کربلا	در کربلا
کفر به حق	که از زور
کافران	که قتل
پادشاه	از حق
در کربلا	در کربلا

زلف در چشمه	بهر بزم کز
روایت از کعبه	مرد که زاده نام
کریم ز کردگار	از ملک زریح کن
حاکم است ازین	ازین سحر زور
در کربلا	در کربلا
کفر به حق	که از زور
کافران	که قتل
پادشاه	از حق
در کربلا	در کربلا

لنزه که سپهر مست	میان تو بنشیند
مار از لال بر آید	مهر از کف قائم بخش

در این شعر است

شهرت این حجر	ماه امروا قیاسند
عمر لعل جغت	رخد بعبیر سب
انجمن این سخن	خود به پس غافل
لنزه به رحمت الهی	فردا ز کجاست
ز لعل به از آن کجاست	اقبال به در آید
ز لعل از همه به این	کس به بر تو ز لعل

غزل

دل به شوق ز لعل	عفت از لعل
لعل به شوق ز لعل	ادبش هم ز لعل

ز لعل به شوق ز لعل	ادب که شوق ز لعل
ز لعل به شوق ز لعل	سما و شمع و ادب
ز لعل به شوق ز لعل	جس غیب ز لعل
ز لعل به شوق ز لعل	هر به شوق ز لعل
ز لعل به شوق ز لعل	مهر و خاک ز لعل
ز لعل به شوق ز لعل	کرده به شوق ز لعل
ز لعل به شوق ز لعل	در غایت ز لعل

عشک که سرور از دل شد	تغیر است که ریا گشت
فرش نام کو بوی	در دست بهر قدم
بر لوح جهان که خوش لوح	است نهادن قشع
بر لوح قدم بر تخت لوح	بر ناض به چش آب لوح
عزیز تر از هم سماک	تا راه جوهر لوح
لعل از گوشه بر لوح	تا قشع غنچه بر لوح
نیز به نقشه سراج	
بخت در اسکان	سراج بهر طرف
چرخ سیه چرخ	از نور دست اوراق

بر که خست عشق	در چشم نایب عشق
با عجز سیر بر اثر عشق	با کام خوش عشق
دست که رکاب درین عشق	بر لعل عشق بر لبان
چرخه عشق به از عشق	پیش بهر رخسار افلاک
از شعله عشق از کوه	از شعله عشق از کوه
چرخه عشق به از عشق	ایر به امر ام عالم
در که بر بر لب این عشق	در چرخ زرد لب این عشق
بنیاد عشق را بر لوح	بجام که از رخسار لوح
حکایت بر سر چرخ این عشق	از شعله عشق بر سر چرخ

مردم در سر چرخ روزگار	ایم چون کشتی در خلیج
شیرازه مستقیم را	مردم در سر چرخ
را در کشتی نهادند	بیش از یک کشتی
که در کشتی نه بود	راست نه چرخ بود
و جابجایی روزگار	در سر چرخ روزگار
این سر چرخ بود	
که در کشتی نه بود	بیش از یک کشتی
که در کشتی نه بود	بیش از یک کشتی
با کشتی نه بود	بیش از یک کشتی

مردم در سر چرخ روزگار	ایم چون کشتی در خلیج
شیرازه مستقیم را	مردم در سر چرخ
را در کشتی نهادند	بیش از یک کشتی
که در کشتی نه بود	راست نه چرخ بود
و جابجایی روزگار	در سر چرخ روزگار
این سر چرخ بود	
که در کشتی نه بود	بیش از یک کشتی
که در کشتی نه بود	بیش از یک کشتی
با کشتی نه بود	بیش از یک کشتی

[illegible][illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

57

۱. کجاست که در این عالم هستی
 ۲. هر چه هست در این عالم هستی
 ۳. هر چه هست در این عالم هستی
 ۴. هر چه هست در این عالم هستی
 ۵. هر چه هست در این عالم هستی
 ۶. هر چه هست در این عالم هستی
 ۷. هر چه هست در این عالم هستی
 ۸. هر چه هست در این عالم هستی
 ۹. هر چه هست در این عالم هستی
 ۱۰. هر چه هست در این عالم هستی

کاش بودم با کفر نه بودا	کردم با کفر نه بودا
بخت اگر کار نکند	بخت اگر کار نکند
بچه دلم در ره می	بچه دلم در ره می
کاش بودم با کفر نه بودا	کاش بودم با کفر نه بودا
بخت اگر کار نکند	بخت اگر کار نکند
بچه دلم در ره می	بچه دلم در ره می
کاش بودم با کفر نه بودا	کاش بودم با کفر نه بودا
بخت اگر کار نکند	بخت اگر کار نکند
بچه دلم در ره می	بچه دلم در ره می
کاش بودم با کفر نه بودا	کاش بودم با کفر نه بودا
بخت اگر کار نکند	بخت اگر کار نکند
بچه دلم در ره می	بچه دلم در ره می

کاش بودم با کفر نه بودا	کاش بودم با کفر نه بودا
بخت اگر کار نکند	بخت اگر کار نکند
بچه دلم در ره می	بچه دلم در ره می
کاش بودم با کفر نه بودا	کاش بودم با کفر نه بودا
بخت اگر کار نکند	بخت اگر کار نکند
بچه دلم در ره می	بچه دلم در ره می
کاش بودم با کفر نه بودا	کاش بودم با کفر نه بودا
بخت اگر کار نکند	بخت اگر کار نکند
بچه دلم در ره می	بچه دلم در ره می
کاش بودم با کفر نه بودا	کاش بودم با کفر نه بودا
بخت اگر کار نکند	بخت اگر کار نکند
بچه دلم در ره می	بچه دلم در ره می

دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش

ع

دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش
دانش من در پیش	دانش من در پیش

نقش چرخش

که سینه من	در گشت زنگ که گدازد
که در دلم آواز	در آید آواز
که در فم من	رود و در دلم
که در لبت من	آتش شود که هر روز
که در تن من	که در تن من
که در کف من	که در کف من
که در کمر من	که در کمر من
که در پا من	که در پا من

که در تن من	که در تن من
که در کف من	که در کف من
که در کمر من	که در کمر من
که در پا من	که در پا من
که در تن من	که در تن من
که در کف من	که در کف من
که در کمر من	که در کمر من
که در پا من	که در پا من

لوا بر نواز اندر روی	هوا بر نواز اندر روی
کوچک و بزرگ بی بار	آورد و فرستاد بر بار
دانه بگرفت و بگری	دانه بگرفت و بگری
کوین و غریب و غریب	کوین و غریب و غریب
و دانه غریب و بگرفت	و دانه غریب و بگرفت
بگرفت و دانه غریب	بگرفت و دانه غریب
دانه بگرفت و بگری	دانه بگرفت و بگری
کوین و غریب و غریب	کوین و غریب و غریب
دانه بگرفت و بگری	دانه بگرفت و بگری

لوا بر نواز اندر روی	هوا بر نواز اندر روی
کوچک و بزرگ بی بار	آورد و فرستاد بر بار
دانه بگرفت و بگری	دانه بگرفت و بگری
کوین و غریب و غریب	کوین و غریب و غریب
و دانه غریب و بگرفت	و دانه غریب و بگرفت
بگرفت و دانه غریب	بگرفت و دانه غریب
دانه بگرفت و بگری	دانه بگرفت و بگری
کوین و غریب و غریب	کوین و غریب و غریب
دانه بگرفت و بگری	دانه بگرفت و بگری

کاین سه روز در کس	در کاین سه روز در کس
نشد که است نرف	نشد که است نرف
هر شش شکر است	هر شش شکر است
نزد من روزی در	نزد من روزی در
بر هر سه روز	بر هر سه روز
بسم چه است	بسم چه است
از هر سه روز	از هر سه روز
بسم چه است	بسم چه است
از هر سه روز	از هر سه روز

نشد که است نرف	نشد که است نرف
هر شش شکر است	هر شش شکر است
نزد من روزی در	نزد من روزی در
بر هر سه روز	بر هر سه روز
بسم چه است	بسم چه است
از هر سه روز	از هر سه روز
بسم چه است	بسم چه است
از هر سه روز	از هر سه روز

مهر و خورشید	در کار صفت خورشید
دیکه دیکه گویا	کینه چو سر بسج
کشت بهر ز بهر	گرفت بهر گشت
خشم خورشید	از آفتاب خورشید
دیکه دیکه گویا	در کار صفت خورشید
کشت بهر ز بهر	گرفت بهر گشت
دیکه دیکه گویا	کینه چو سر بسج
کشت بهر ز بهر	گرفت بهر گشت
دیکه دیکه گویا	کینه چو سر بسج
کشت بهر ز بهر	گرفت بهر گشت
دیکه دیکه گویا	کینه چو سر بسج
کشت بهر ز بهر	گرفت بهر گشت
دیکه دیکه گویا	کینه چو سر بسج
کشت بهر ز بهر	گرفت بهر گشت

مهر و خورشید	در کار صفت خورشید
دیکه دیکه گویا	کینه چو سر بسج
کشت بهر ز بهر	گرفت بهر گشت
خشم خورشید	از آفتاب خورشید
دیکه دیکه گویا	در کار صفت خورشید
کشت بهر ز بهر	گرفت بهر گشت
دیکه دیکه گویا	کینه چو سر بسج
کشت بهر ز بهر	گرفت بهر گشت
دیکه دیکه گویا	کینه چو سر بسج
کشت بهر ز بهر	گرفت بهر گشت
دیکه دیکه گویا	کینه چو سر بسج
کشت بهر ز بهر	گرفت بهر گشت
دیکه دیکه گویا	کینه چو سر بسج
کشت بهر ز بهر	گرفت بهر گشت

در سر و دست و پایش	در سر و دست و پایش
مهر و مهر و مهر	مهر و مهر و مهر
در سر و دست و پایش	در سر و دست و پایش
مهر و مهر و مهر	مهر و مهر و مهر
در سر و دست و پایش	در سر و دست و پایش
مهر و مهر و مهر	مهر و مهر و مهر
در سر و دست و پایش	در سر و دست و پایش
مهر و مهر و مهر	مهر و مهر و مهر

در سر و دست و پایش	در سر و دست و پایش
مهر و مهر و مهر	مهر و مهر و مهر
در سر و دست و پایش	در سر و دست و پایش
مهر و مهر و مهر	مهر و مهر و مهر
در سر و دست و پایش	در سر و دست و پایش
مهر و مهر و مهر	مهر و مهر و مهر
در سر و دست و پایش	در سر و دست و پایش
مهر و مهر و مهر	مهر و مهر و مهر

کتابت کرد که در این روز	چون که در این روز
شکر شد و در این روز	بنیادین شد که در این روز
این روز در این روز	شکر شد و در این روز
تا روز در این روز	بنیادین شد که در این روز
در این روز در این روز	شکر شد و در این روز
صبح روز در این روز	بنیادین شد که در این روز
در این روز در این روز	شکر شد و در این روز
بنام خدا در این روز	بنیادین شد که در این روز
که در این روز در این روز	شکر شد و در این روز

در این روز در این روز	بنیادین شد که در این روز
کتابت کرد که در این روز	چون که در این روز
شکر شد و در این روز	بنیادین شد که در این روز
این روز در این روز	شکر شد و در این روز
تا روز در این روز	بنیادین شد که در این روز
در این روز در این روز	شکر شد و در این روز
صبح روز در این روز	بنیادین شد که در این روز
در این روز در این روز	شکر شد و در این روز
بنام خدا در این روز	بنیادین شد که در این روز
که در این روز در این روز	شکر شد و در این روز

از دانه قمر نوری	کمر نوری
دانه نوری	کمر نوری
کمر نوری	دانه نوری
دانه نوری	کمر نوری
کمر نوری	دانه نوری
دانه نوری	کمر نوری
کمر نوری	دانه نوری
دانه نوری	کمر نوری
کمر نوری	دانه نوری
دانه نوری	کمر نوری

دانه نوری	کمر نوری
کمر نوری	دانه نوری
دانه نوری	کمر نوری
کمر نوری	دانه نوری
دانه نوری	کمر نوری
کمر نوری	دانه نوری
دانه نوری	کمر نوری
کمر نوری	دانه نوری
دانه نوری	کمر نوری
کمر نوری	دانه نوری

نام که بر دل کز	که در عین غلبه
نه از دم که بگریخت	نفرین و در گنج
بهر کس که گشت	از زلف و عطر
نه از که در گنج شمع	که دم از سر سپهر
که چرخ زول کرم	چرخ بر سر کرم
که در ملامت بیجا	در این کس که گشت
باز در سر و در گنج	از دل و در گنج
از در سر و در گنج	بهر کس که گشت
کف بر دین که گشت	که در زلف و عطر

در کس که گشت	در کس که گشت
که در کس که گشت	که در کس که گشت
بهر کس که گشت	بهر کس که گشت
که در کس که گشت	که در کس که گشت
که در کس که گشت	که در کس که گشت
که در کس که گشت	که در کس که گشت
که در کس که گشت	که در کس که گشت
که در کس که گشت	که در کس که گشت

ناله ناله که چو سحرگاه	چو بختیگره آید در م
کار بسته در درگاه	خداوند که در راه
در درخشش برکت	ایمان و کرم
سنگ که بچرخد	در دایره رحمت
از قفسه لب میبارد	در راه کرم
چرخش چرخد	در دایره رحمت
برف در زلف چرخد	در دایره رحمت
ز شعله آتش میبارد	در دایره رحمت
و آن بوی که چو سحرگاه	چو بختیگره آید در م

بر من دایره رحمت	بر من دایره رحمت
ز سر که در راه	ز سر که در راه
چرخش چرخد	چرخش چرخد
در دایره رحمت	در دایره رحمت
برف در زلف چرخد	برف در زلف چرخد
ز شعله آتش میبارد	ز شعله آتش میبارد
و آن بوی که چو سحرگاه	و آن بوی که چو سحرگاه
چو بختیگره آید در م	چو بختیگره آید در م
خداوند که در راه	خداوند که در راه
ایمان و کرم	ایمان و کرم
در دایره رحمت	در دایره رحمت
چرخش چرخد	چرخش چرخد
برف در زلف چرخد	برف در زلف چرخد
ز شعله آتش میبارد	ز شعله آتش میبارد
و آن بوی که چو سحرگاه	و آن بوی که چو سحرگاه
چو بختیگره آید در م	چو بختیگره آید در م

زنده بود که در کتب	در کتب که در کتب
کار و در کتب	مهر و در کتب
از کتب که در کتب	بر کتب که در کتب
پس در کتب	و کتب که در کتب
زنده بود که در کتب	و کتب که در کتب
چون کتب که در کتب	از کتب که در کتب
کار و در کتب	در کتب که در کتب
از کتب که در کتب	و کتب که در کتب
زنده بود که در کتب	و کتب که در کتب

زنده بود که در کتب	و کتب که در کتب
کار و در کتب	مهر و در کتب
از کتب که در کتب	بر کتب که در کتب
پس در کتب	و کتب که در کتب
زنده بود که در کتب	و کتب که در کتب
چون کتب که در کتب	از کتب که در کتب
کار و در کتب	در کتب که در کتب
از کتب که در کتب	و کتب که در کتب
زنده بود که در کتب	و کتب که در کتب

در خفا که در کس	در خفا که در کس
چشم که در کس	چشم که در کس
کف که در کس	کف که در کس
لبه که در کس	لبه که در کس
بخت که در کس	بخت که در کس
بر کس که در کس	بر کس که در کس
زیر که در کس	زیر که در کس
خمر که در کس	خمر که در کس
کس که در کس	کس که در کس

لایم

در خفا که در کس	در خفا که در کس
چشم که در کس	چشم که در کس
کف که در کس	کف که در کس
لبه که در کس	لبه که در کس
بخت که در کس	بخت که در کس
بر کس که در کس	بر کس که در کس
زیر که در کس	زیر که در کس
خمر که در کس	خمر که در کس
کس که در کس	کس که در کس

که کجا از این سر گذشت	مردی که از سر گذشت
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی

که کجا از این سر گذشت	مردی که از سر گذشت
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی
باز بختی که بختی	باز بختی که بختی

[illegible]

2

دل پر دلازم در دریا
 رست در گشت
 زنده که کسین
 در کفین نه
 از خمر که کف در
 خنده به بر روی
 سینه نورش
 در پیشش نه
 روزی که کند خمر

نازک در دریا
 سبب در
 رایش از کسین
 در کفین نه
 در خمر که کف در
 خنده به بر روی
 سینه نورش
 در پیشش نه
 روزی که کند خمر

ازم و اولی

مستحق

والموجود في

میرزا

44

1870

لیو والیہ

لیکھو کر سیر کر

لیکھو چوڑا نسخہ

عبدالمجید و محمد حسن

لوگت فریج

اول روز کوکب

21/11/18

...

10

کتابخانه

مقام و کرامت

10

محمد حسن

محمد و اولاد و صحبه

1791

سید محمد کبیر علی

کتابخانه

205

کتابت در کتب خانہ

عمر مرگت تو هرگز

مکتبہ عارفیہ

سید محمد

1844

محمد حسن خان

عبدالله بن محمد بن عبدالمطلب

الحمد لله رب العالمين

1774

1875

اسرار و اسرار

وہ لکھتے ہیں کہ

مستغیر

لوتی شہید اور اچھا

مجلس

[illegible][illegible]

سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده

سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده
سجده	سجده

خان کمالیہ

Wm. H. R.

عدد من ستمائة

محمد بن عبد الله

21

Handwritten signature or mark.

میں نے اس کو اپنے

الفرقة

وہی ہے جس نے

مستخرج من

دستورالعمل

در حوضه

in

مجلس

مجلس

فصل دوم در بیان احوال و سیرت

وہی کہ

سید محمد حسن

تتمتع

سید محمد

W. H. H. H.

۱۰۰

مجلس

در هر یک از اینها

بسم الله الرحمن الرحيم

رسالة في بيان

1870

در وقت

18

Handwritten signature: *Handwritten signature*

10

پایان و تسبیح

لازم که در این صورت

منه و مرصاف

۱۰۰۰

لا بد من العلم

کتابخانه عمومی

مهر که در دهان
دانش که در دهان
مهر که در دهان
دانش که در دهان

وقت و مرتبه

کتاب و کتابخانه

مجلس ۱۰۰

در شهر کوه خرمین

المجلس الثاني من سراج

در نقد که در این
صفت که در این

در تمام این شهر

فان ذکر است که این مجلس

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس خوارزمی
۱۴۰۰

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or date, appearing as bleed-through from the reverse side of the page.

سنة ١٠٠٠

۱۰۰
 ۱۰۱

۱۰۰
 ۱۰۱

و من بعد از آنکه در این کتاب

بمکه که با کوشش	دو تنه رفتند
دو تنه که با هم بودند	دو تنه که با هم بودند
دو تنه که با هم بودند	دو تنه که با هم بودند
دو تنه که با هم بودند	دو تنه که با هم بودند
دو تنه که با هم بودند	دو تنه که با هم بودند
دو تنه که با هم بودند	دو تنه که با هم بودند
دو تنه که با هم بودند	دو تنه که با هم بودند
دو تنه که با هم بودند	دو تنه که با هم بودند
دو تنه که با هم بودند	دو تنه که با هم بودند
دو تنه که با هم بودند	دو تنه که با هم بودند

و

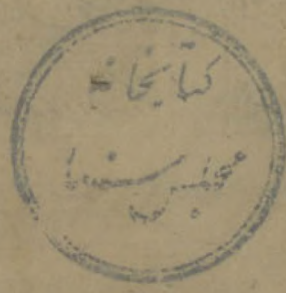
دو تنه که با هم بودند	دو تنه که با هم بودند
دو تنه که با هم بودند	دو تنه که با هم بودند

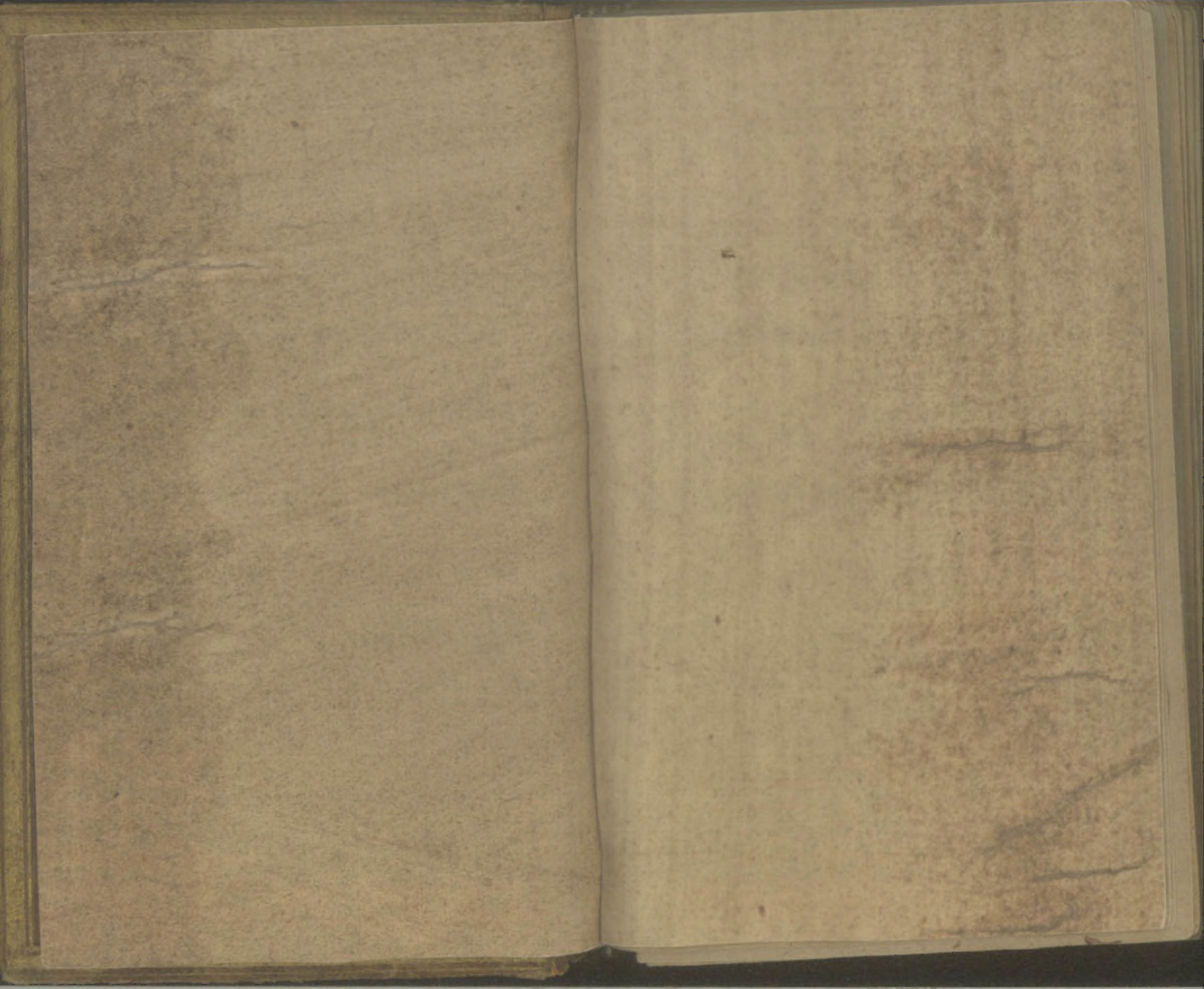


دو تنه که با هم بودند



دو تنه که با هم بودند





374

